

عرض کردیم اولین حقی که برای زبان در این کلام نورانی امام سجاده (ع) نقل شده، «فَاِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى»، بزرگداشت زبان از بدگویی و بدزبانی؛ یعنی زبان نباید بدگو و بدزبان باشد. به همین مناسبت گفتیم به برخی از مصادیق رایج و مهم بدزبانی اشاره می‌کنیم که آثار مخربی در جامعه دارد. اولین مورد غیبت بود که اجمالاً مطالبی در مورد آن گفته شد.

۲. دروغ

دومین مورد، کذب و دروغ است. ما اینجا اگر بخواهیم درباره هر یک از این مصادیق بحث‌های متنوعی که می‌توان اینجا مطرح کرد سخن بگوییم، خیلی به درازا می‌کشد. فرض بفرمایید غیبت آثاری دارد، دروغ آثاری دارد؛ بخواهیم از آثار غیبت بحث کنیم، از منشأ غیبت و دروغ بحث کنیم، اینکه مثلاً در دنیا و آخرت چه عوارضی دارد، بحث‌های زیادی می‌شود در اینجا مطرح کرد؛ لذا بیشتر به تبیین اهمیت و جایگاه دروغ در بین سایر گناهان اشاره خواهیم کرد. دروغ معنایش معلوم است؛ یعنی خلاف‌گویی، یعنی چیزی را که انسان می‌داند برخلاف واقع است و با اعتقاد به خلاف واقع، آن را بگوید. الان مثلاً فرض کنید کسی می‌داند که در اتاق دیگر، کسی نیست اما می‌گوید یک نفر در آن اتاق هست. شاید کمتر گناهی و کمتر زشتی مثل دروغ در آموزه‌های دینی به عنوان محور شرّ و بدی قرار گرفته باشد. همسان قرار دادن دروغ گفتن با بی‌ایمانی، این هم در آیه قرآن و هم در روایات وجود دارد. اینکه دروغ در حقیقت نشانه بی‌بهره بودن از ایمان است؛ در کلمات متعددی از پیامبر و معصومین (ع) ذکر شده است؛ در قرآن هم به این موضوع اشاره شده است. این حقیقت که دروغ در واقع کأن با ایمان در تضاد است، اینها با هم ناسازگار هستند. دروغگو بهره‌ای از ایمان ندارد؛ زناکار می‌تواند بهره‌ای از ایمان داشته باشد اما دروغگو بهره‌ای از ایمان ندارد و فرقی هم نمی‌کند دروغ شوخی باشد یا جدی، مطالبی است که در آموزه‌های دینی فراوان است.

ناسازگاری دروغ با ایمان

در روایتی از رسول گرامی اسلام (ص) آمده که می‌فرماید: «وَقَالَ رَجُلٌ لَهُ (ص) الْمُؤْمِنُ يَزْنِي»، آیا ممکن است مؤمن زنا کند؟ «قَالَ (ص) قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ»، گاهی این چنین است؛ یعنی ممکن است مؤمنی دچار این اشتباه و لغزش شود. «قَالَ الْمُؤْمِنُ يَسْرِقُ»، آیا مؤمن ممکن است دزدی کند؟ «قَالَ (ص) قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ»، گاهی پیش می‌آید و ممکن است مؤمن سرقت کند. «قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ يَكْذِبُ قَالَ (ص) لَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»،^۱ بعد سؤال کرد که ای رسول خدا، آیا مؤمن دروغ می‌گوید؟ حضرت فرمود ممکن نیست مؤمن دروغ بگوید؛ بعد استناد می‌کند به این آیه قرآن که فرمود تنها کسانی دروغ می‌گویند که ایمان نیاورده‌اند. این مشتمل بر سخن رسول خدا (ص) و استناد ایشان به آیه قرآن است که اساساً امکان ندارد دروغ با ایمان جمع شود؛ این معنایش آن نیست که خدای نکرده کسی بگوید که من دروغ نمی‌گویم ولی آنها را مرتکب می‌شوم؛ گناه، گناه است. اینجا می‌خواهد اهمیت و جایگاه دروغ را در بین گناهان و زشتی‌ها و قبائح مورد اشاره قرار دهد.

ما این حقیقت را در کلمات بسیاری از معصومین (ع) می‌بینیم مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْكُذْبَ جِدَّةً وَهَزْلَةً»،^۲ هیچ بنده‌ای حقیقت و طعم ایمان را نمی‌چشد مگر اینکه از دروغ بیرهیزد،

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳، ح ۴۷.

۲. محاسن، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۳۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۲، ح ۴۱.

چه شوخی و چه جدی. دروغ اعم از شوخی و جدی را به عنوان یک مانع در برابر ایمان و رسوخ ایمان در وجود انسان معرفی کرده است. ما این تعبیر را درباره سایر گناهان به این شکل نمی‌بینیم. بله، بعضی از تعابیر هست که فرض بفرمایید حسد، ایمان را می‌برد همانطور که آتش هیزم را می‌سوزاند، با همان سرعت. یعنی می‌تواند ایمان در وجود کسی جمع شود، وقتی حسادت می‌آید آن را از بین می‌برد. اینها مراتب دارد ولی امکان ندارد کسی دروغ بگوید و اهل دروغ باشد حتی به شوخی، و در عین حال بگوییم ایمان در وجود او رسوخ کرده است.

دروغ کلید همه پلیدی‌ها

اینکه ما می‌بینیم در روایات دروغ به عنوان مفتاح سایر گناهان قرار داده شده برای همین است؛ وقتی دروغ با ایمان قابل جمع نباشد، وقتی ریشه ایمان را بسوزاند، طبیعتاً ارتکاب سایر زشتی‌ها و گناهان برای انسان راحت می‌شود.

امام عسکری (ع) می‌فرماید: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ، وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ»^۳ همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها در یک خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن خانه دروغ است. چطور می‌شود کذب کلید همه بدی‌ها باشد؟ اینکه مثلاً گفته می‌شود «عَلَّةُ الْكَذِبِ أَقْبَحُ عَلَّةٍ»^۴ بیماری دروغ زشت‌ترین بیماری‌هاست، بدترین بیماری‌هاست. اولاً کذب بیماری است؛ کسی که اهل دروغ است، بیمار است و بیماری روحی دارد؛ این بیماری بدترین بیماری‌هاست. اینها تعابیری است که در واقع دارد چهره واقعی دروغ را بیان می‌کند. اینکه کذب و دروغ بدترین بیماری است؛ اینکه کلید همه شرور و بدی‌هاست، اینکه از شراب بدتر است، در بعضی از روایات دارد که شراب چه آثار و مفسدتی دارد و کذب از شراب بدتر است؛ اینها همه دارد یک حقیقتی را به ما نشان می‌دهد؛ بهتر از این می‌شود این زشتی و پلیدی را ترسیم کرد؟ اینکه دروغگو در واقع سرانجامش به آتش دوزخ خواهد بود؛ این سخن رسول خداست که می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ»^۵ انگار دروازه همه پلیدی‌هاست. چطور است که دروغ با این همه زشتی و با این همه پلیدی و با این قبحی که دارد، اما نزد ما عادی‌ترین امور است؛ انگار نه انگار؛ دروغ را می‌گوییم و می‌شنویم، نه نسبت به شنیدن دروغ حساسیت داریم و نه خودمان در گفتنش حساسیتی داریم. آن وقت شما حساب کنید که اگر این تبدیل به یک رفتار فراگیر در جامعه شود، این جامعه باطنش چیست؟ این جامعه باطنش انباشته از پلیدی است؛ وقتی دروغ عادی شود، یعنی گناهان دیگر هم عادی می‌شود. وقتی دروغ زشت شمرده نشود، یعنی همه بدی‌ها در اجتماع انباشته شده است. وقتی دروغ عادی شود معنایش این است که جامعه ما یک جامعه ضعیف‌الایمان یا بی‌ایمان است. آن وقت ما از جامعه بی‌ایمان و پرشده و مملو از زشتی و پلیدی، جامعه آکنده از بدی‌ها چه انتظاری داریم؟ ادامه بحث را جلسات آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»

۳. مستدرک، ج ۹، ص ۸۵، ح ۱۰۲۸۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳۱.

۵. جامع الاخبار، ص ۴۱۷، ح ۱۳۵۷.